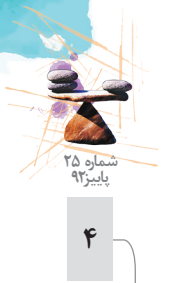




## اعتدال در قرآن

علی اکبر عالمیان



شماره ۲۵  
پاییز ۹۴

۴

### معنا و مصداق اعتدال در قرآن

اعتدال از ریشه عدل، به معنی میانه‌گیری مابین دو حالت یک چیز از نظر کمی و کیفی و تناسب برقرار کردن میان آن دو است. چنان‌که به روزها و شب‌های بهاری و پاییزی که اندازه یکدیگرند، «اعتدال بهاری و پاییزی» گفته می‌شود. البته به معنای راست و متوسط هم آمده است.

برگردان فارسی اعتدال «میانه‌روی» است که به پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری اطلاق می‌شود و واژه معادل عربی آن «اقتصاد» است که در فرهنگ اسلامی کاربرد بیشتری دارد.

اعتدال، یعنی میانه‌روی و حد فاصل میان افراط و تفریط که چنین کاری از نظر اسلام، در همه چیز مطلوب است. قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام با عنوان «امت وسط»، یعنی امت معتدل معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ و این‌گونه شما را امت میانه قرار دادیم» و در آیه‌ای دیگر، امت اسلامی را بهترین امت پدیدآمده از میان مردم می‌داند. قرآن کریم دین اسلام را «حنیف»: (معتدل) (روم، ۳۰، روم، ۴۳)، «قیم»: (استوار و میانه) (روم، ۴۳)، و هماهنگ با فطرت (روم، ۳۰)، معرفی کرده است. قرآن کریم دین اسلام را ادامه آیین ابراهیم (ع) دانسته که از ویژگی‌های آن حنیف و معتدل بودن است. شعار آیین اسلام این است: «... ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ابراهیم...»، «... ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج...». زیرا مبنای آن آسان‌گیری بر پیروان خود می‌باشد، «... یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر...» و «... یرید الله ان یخفف عنکم...»، قرار گرفتن تیمم به جای

وضو و غسل در شرایط بیماری، سختی و بی‌آبی، قرار گرفتن کفارات و اعمال جایگزین عبادی و اقتصادی به منظور جبران خطاها و معاف شدن ناتوانان، بیماران از انجام تکالیف سخت و دشوار، همه و همه نمونه‌هایی از اعتدال‌گرایی دین اسلام است.

### اشاره قرآن به نمادهای اعتدال

از میان آیات الهی می‌توان به اشاره‌های قرآن دقت نمود که در آن به نمادهای اعتدال توجه شده است. اولین نماد، اهل بیت (ع) می‌باشند. آیه‌ای از قرآن کریم از گروهی معتدل در میان امت اسلام خبر داده است: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ». در روایات وارده از معصومین (ع) مقصود این آیه، اهل بیت پیامبر (ع) دانسته شده است. نماد دیگر حضرت ابراهیم (ع) می‌باشد. در قرآن، مسلمانان مامور به تبعیت از دین ابراهیم (ع) شده‌اند. در جایی فرموده: «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» و در جای دیگری فرموده: «وَاتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». از ویژگی‌های دین حضرت ابراهیم (ع)، حنیف بودن آن است. «حنیف» یعنی معتدل و به دور از انحراف. همچنین، عادل‌رحمان نیز به عنوان انسان‌هایی معتدل و به دور از افراط و تفریط معرفی شده‌اند. در شان آنان آمده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یَسْرِفُوا و لَمْ یَقْتُرُوا و کَانَ بَیْنَ ذَٰلِكَ قَوَامٌ» و کسانی که چون هزینه می‌کنند، اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند، بلکه میان این دو، راه اعتدال را می‌گیرند.

قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام با عنوان «امت وسط»، یعنی امت معتدل معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ و این‌گونه شما را امت میانه قرار دادیم» و در آیه‌ای دیگر، امت اسلامی را بهترین امت پدیدآمده از میان مردم می‌داند.

### ۱. اعتدال در خلقت

مهمترین و اصلی‌ترین نشانه اعتدال در قرآن، اعتدال در خلقت است. قرآن کریم در وصف خداوند فرموده: «الذی خلق فسوی»، کسی که آفرینش او معتدل و موزون است. درباره آسمان‌های هفتگانه نیز فرموده آن‌ها دارای اعتدال و بدون کمترین اعوجاج و ناهماهنگی است: «...فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ...». و نیز فرموده: زمین دارای اعتدال و توازن است: «الذی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...». امام سجاد (ع) در این مورد فرموده‌اند: «خداوند زمین را باب و موافق جسم شما آفریده، نه گرم و سوزان آفریده و نه زیاد سرد آفریده، نه زیاد مطر و زنده و نه آن را بلبو آفریده تا مایه هلاکت شود. آن را همچون آب قرار نداد که در آن غرق شوید و نه سفت و محکم، تا بتوانید در آن خانه بسازید. در مورد اعتدال در خلقت می‌توان به دو مورد مهم اشاره کرد. مورد اول اعتدال در خلقت انسان است. خداوند می‌فرماید: «یاایها الانسان ما غرک بریک الکریم الذی خلقک فسواک فعدلک؛ ای انسان چه چیزی تو را نسبت به پروردگارت مغرور کرد. همان پروردگاری که تو را معتدل و موزون آفرید.» مورد دیگر نیز اعتدال در آفرینش رویدنی‌ها و نباتات است. خداوند متعال علاوه بر این که آسمان، زمین و سایر کرات هستی را معتدل و موزون آفرید، بلکه همه آنچه از زمین می‌روید را نیز به صورتی موزون خلق کرد. چنانچه در قرآن کریم در این باره فرموده: «... وَأَنْتِنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٌ».

### ۲. اعتدال در تشریح

قرآن کریم از هر گونه تناقض‌گویی و تک‌بعدی‌نگری منزّه است و در بیان نیازهای انسان به تمامی ابعاد وی توجه دارد. در تشریح عبادات نیز شرایط مکلفان در نظر گرفته شده است و همان‌گونه که خود فرموده، کتابی است «قیم»، معتدل و منزّه از هرگونه کژی و انحراف: «الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب ولم یجعل له عوجا قیما...».

«قیم» از ماده گرفته شده، هم به معنی ثابت و استوار است، و هم به معنی اعتدال و خالی بودن از هرگونه اعوجاج و کژی. مولفه‌هایی نیز در این مورد در آیات الهی دیده می‌شود. یکی از این موارد اعتدال در حکم جهاد است. در آیات جهاد در کنار امر به جهاد، از زیاده‌روی نیز نهی شده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و در کنار امر به جهاد تشویق به صلح و آشتی با دشمن نیز شده است: «وَأَنْ جُنَحُوا لِلْإِسْلَامِ فَاجْتَنِبُوا» و در وجوب جهاد نیز ملاحظه شرایط مکلفان، شده است و بر ضعیفان و بیماران و بطور کلی معذورین، جهاد واجب نشده است (آیات توبه، ۹۱؛ نور، ۶۱؛ فتح، ۱۷). همچنین قرآن در احکام کیفری نیز از اعتدال سخن می‌گوید. خداوند ضمن تاکید بر داشتن قاطعیت در اجرای احکام کیفری، آن‌ها را با سفارشات اخلاقی، تلطیف کرده است. مثلا پس از تشریح قصاص بلافاصله فرموده: «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءًا فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَادِّاءِ إِلَيْهِ بِالْحَسَنِ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكَ وَرَحْمَةٌ...» پس هرکس مرتکب قتل شد و از سوی ولی مقتول، به حکم این‌که برادر دینی او است، چیزی از حق قصاص به وی بخشیده شد، باید ولی مقتول بطور شایسته درصدد گرفتن دیه برآید و قاتل نیز به خوبی و با پرهیز از تأخیری آزرده‌نده، دیه را بپردازد. این حکم، تخفیف و رحمتی از جانب پروردگار شما است...». برای ولی دم حق قصاص تشریح شده ولی خروج از حد اعتدال روا شمرده نشده است: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا». پس از بیان حکم سارق نیز فرموده: اگر توبه کند و خود را اصلاح کند، خداوند

توبه‌اش را می‌پذیرد. چراکه خداوند آمرزنده و مهربان است (مائده، ۳۸ و ۳۹). همچنین پس از بیان کیفر زناکار و کیفر تهمت‌زنندگان به زنان پاکدامن فرموده است: مگر کسانی که پس از اجرای حد توبه کنند و کارهای خود را اصلاح نمایند. چراکه خداوند آمرزنده گناهان و رحمت‌آورنده بر توبه‌کنندگان است. (نور، ۲-۵)

### ۳. اعتدال در عقیده

در مورد عقیده، بر میانه‌روی و پرهیز از غلو، خرافات، اعتقاد به امور غیرمستند و غیرعقلی تاکید شده است. خداوند در این مورد می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ؛ بگو ای اهل کتاب در دین خود به ناحق گزافه‌گویی نکنید و از پی هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند نروید». در جایی دیگر آمده است: «...وَمَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است». خداوند همچنین در جایی کسانی را مذمت می‌کند که ثبات روحی ندارند: «مَذَّبَدِبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا». این تعادل حتی شامل موضوعات: ایمان، اعتقاد و انواع ایمان می‌گردد و منظور از تعادل نوعی عطف توجه منطقی و خردگرایانه است و نه عاطفی و احساسی صرف.

همچنین، قرآن مجید از گرایش به توحید با واژه «حنیف» یعنی معتدل و میانه یاد کرده: «واقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها...»، از موحد به عنوان اعتدال‌گرا یاد کرده است و فرموده مشرکان و بت‌پرستان هنگام روبرو شدن با خطرات، برای نجات خود خالصانه خدا را می‌خوانند اما هنگامی که خداوند آنان را نجات می‌دهد، تنها برخی از آنان راه میانه، یعنی مسیر توحید را، انتخاب کرده و بر آن باقی می‌مانند: «وإذا غشیهم موج کالظلل دعوا الله مخلصین له اللدین فلما نجیهم الی البر فمَنهم مَقْتَصِدٌ...».

در این آیه، لازمه ایمان، اعتدال ذکر شده است. برای همین بجای آن‌که بفرماید: «فمنهم مؤمن»، فرمود: «فمنهم مُقْتَصِدٌ». در سوره کهف نیز از قول اصحاب کهف نقل کرده که عقیده خلاف توحید را خارج از اعتدال دانسته‌اند: «و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططنا». همچنین خداوند به مسئله اعتدال در معرفت نیز اشاره می‌فرماید. قرآن در آیه ۱۰۸ سوره بقره، کفر را سبب خروج از راه اعتدال، یعنی همان تسلیم می‌داند و تثلیث برخی از مسیحیان را موجب خروج از حد اعتدال معرفی می‌کند؛ زیرا با اعتقاد به الوهیت مسیح (ع)، مسیحیان از دایره اعتدال توحیدی بیرون رفته‌اند (مائده، آیات ۷۲ و ۷۷). از نظر قرآن کسی که از دایره حق خارج و گرفتار باطل و ضلالت شود، در حقیقت از حالت عدالت و توازن فکری و منطقی بیرون رفته است. (مائده، آیه ۷۷)

### ۴. اعتدال در عبادت

یکی از مهمترین مصادیق اعتدال، اعتدال در عبادت می‌باشد. قرآن کریم نماز و عبادت را در اوقات معینی واجب دانسته، عبادت در شب را بسیار ستایش نموده ولی درباره نماز شب به پیامبر و مسلمانان توصیه کرده که لازم نیست، تمام شب بجا آورده شود، بلکه به اندازه‌ای که توانایی دارید،



مهمترین و اصلی‌ترین نشانه اعتدال در قرآن، اعتدال در خلقت است. قرآن کریم در وصف خداوند فرموده: «الذی خلق فسوی»، کسی که آفرینش او معتدل و موزون است. درباره آسمان‌های هفتگانه نیز فرموده آن‌ها دارای اعتدال و بدون کمترین اعوجاج و ناهماهنگی است: «...فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ...».





خدا را عبادت کنید: «ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و نصفه و ثلثه و طائفه من الذين معك و الله يقدر الليل و النهار علم ان لن تحصوه فتاب عليكم فاقروا و اما تيسر من القرآن علم ان سيكون منكم مرضى و آخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله و آخرون يقتلون في سبيل الله فاقروا و اما تيسر منه ...؛ همانا پروردگارت می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب و گاه نیمی از آن و گاه یک سوم آن را به نماز برمی‌خیزی، و گروهی از کسانی که با تو اند، نیز این گونه‌اند. چگونه خدا بی‌خبر باشد، در حالی که او است که اندازه شب و روز را مقرر می‌کند؟ او دانست که همه شما نمی‌توانید زمان تعیین شده برای عبادت شبانه را بشمار آورید؛ از این رو با رحمت خویش به شما روی کرد و تکلیف شما را کاهش داد. اکنون لازم نیست دو سوم یا نیمی از شب یا یک سوم آن را به نماز برخیزید، ولی هر چه از قرآن برای شما آسان است، بخوانید. او همچنین دانست که برخی از شما بیمار خواهند شد و عده‌ای دیگر برای بدست آوردن روزی و برخورداری از فضل خدا سفر می‌کنند، و گروهی دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند و بر آنان دشوار است که حدود نیمی از شب را به نماز برخیزند. بنابراین هر چه از قرآن برای شما آسان است، بخوانید». قرآن همچنین در کیفیت نماز خواندن به پیامبر(ص) دستور می‌دهد: «نماز را زیاد بلند مخوان، زیاد هم آهسته مخوان، بلکه میان این دو، راه اعتدال را انتخاب کن؛ وَ لَا تُجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافِتْ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا».

#### 5. اعتدال در گفتار

اعتدال و انضباط در صدا و صوت نیز از جمله تاکیدات قرآن می‌باشد. در قرآن در سه مورد انضباط صوتی در سخن گفتن را گوشزد نموده است. مورد اول دهمین و آخرین نصیحت لقمان به



فرزندش است که چنین بیان شده: «واقصد فی مشیک و اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر؛ پسر! در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است». مورد دوم و سوم نیز در مورد چگونه سخن گفتن با پیامبر(ص) است. در یک جا خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید صداهایتان را بالاتر از صدای پیامبر (ص) نبرید، همان‌گونه که بعضی از شما نسبت به دیگری، بلند گفت‌وگو می‌کنید، با پیامبر (ص) این‌گونه سخن نگویند، مبدا (به خاطر این صدای بلند که برخاسته از بی‌ادبی شما است)، اعمال شما نادانسته، پوچ و نابود شود» و در دو آیه بعد می‌فرماید: «انان که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه و موزون می‌کنند، همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آموزش و پاداش عظیمی است. ولی کسانی که تو را (ای پیامبر) از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند».

این آیات بیانگر یکی از ابعاد آداب معاشرت اسلامی است، و آن رعایت اعتدال و انضباط در صدا و سخن گفتن در حضور همه مردم به ویژه پیامبران، امامان و اولیاء خدا است.

#### 6. اعتدال در رفتار

از منظر رفتاری نیز قرآن به چند مؤلفه اشاره می‌نماید. اولین مورد اعتدال در راه رفتن است. لقمان پس از نهي فرزندش از شرک، توجه به قیامت و حسابرسی از اعمال در قیامت، برپاداشتن نماز، صبر بر ناملایمات، و دوری کردن از تکبر، چنین سفارش کرده: «ولاتمش فی الارض مرحا...؛ و در روی زمین با غرور و تکبر قدم بر مدار». سپس سفارش به انتخاب راه میانه در راه رفتن کرده است و چنین گفته: «واقصد فی مشیک...؛ پسر! در راه رفتن اعتدال را رعایت کن». در آیات دیگر نیز در مقام ستایش از بندگان خاص خداوند (عباد الرحمان) به دوازده صفت از اوصاف آنان اشاره کرده است و از جمله آن‌که می‌فرماید: «الذین یمشون علی الارض هونا...؛ بندگان خاص خداوند کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر روی زمین راه می‌روند». مورد دیگر اعتدال در استفاده از زینت‌هاست. از منظر قرآن استفاده از زینت‌ها و امور پاکیزه حلال شمرده شده است و آنچه را خداوند ممنوع و حرام کرده، کارهای زشت، گناه، تجاوز و شرک است: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحيوۃ الدنيا خالصة يوم القيمة».

مؤلفه بعدی رعایت حقوق دیگران است: «و إذا قتلتم فاعدلوا و لو كان ذا قریبی؛ هنگام سخن گفتن، حق و عدالت را رعایت کنید، گرچه به ضرر خویشان شما باشد». مورد دیگر نیز اعتدال در معاشرت است. قرآن دستور می‌دهد که انسان با تمام مسلمانان مخصوصاً با پدر و مادر، اقوام و عشیره خویش با نیکی و ملامت رفتار نماید. قرآن در این مورد می‌گوید: «با همسرانتان بطور شایسته رفتار کنید». و یا در جای دیگر می‌گوید: رحمت خداوند جداً به نیکوکاران نزدیک‌تر است. و یا در جایی دیگر می‌فرماید: «حُدِّ الْعُقُوبُ وَأُمْرٌ بِالْعُرْفِ وَأَعْرَضٌ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب».

#### 7. اعتدال در اقتصاد

از منظر اقتصادی، آیات قرآن به دو نوع اعتدال اشاره می‌کند: محور اول بحث مصرف است. در این نوع از اعتدال مواردی را خداوند



## ثمرات اعتدال

از منظر قرآن، اعتدال دارای ثمرات مهم و فراوانی است. یکی از این ثمرات دوری از هرگونه انحراف می‌باشد. مثلاً در آیه ۱۲۵ نساء، برترین آیین را پیروی از دین ابراهیم (ع) که انسانی متعادل بود، معرفی می‌کند و نیز بهترین الگو را حضرت ابراهیم (ع) اعلام می‌دارد؛ چون او را برای خود برگزیده است و چون ابراهیم از باطل رویگردان است، به مقام خلیل الهی می‌رسد.

ثمره دوم نیز پرهیز از شرک است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یکی از آن‌ها که از همه عاقل‌تر بود گفت: آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی‌گویید؟» تعبیر به «اوسط» در آیه به معنی کسی است که در سرحد اعتدال از نظر عقل و خرد و دانش باشد. تعبیر به «لولا تسبحون» از این جهت است که ریشه همه اعمال نیک، ایمان و معرفت الله و تسبیح و تنزیه خدا است.

ثمره سوم نیز اعطای حکمت و دانش است. در آیات قرآنی اشاره به این مطلب شده است که خداوند به حضرت موسی (ع) بعد از رسیدن ایشان به رشد و اعتدال، به او حکمت و دانش عنایت فرمود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «چون به رشد رسید و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم و این‌گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم».

## زمینه‌ها و پیامدهای خروج از اعتدال

در قرآن مجید به زمینه‌ها و پیامدهای خروج از اعتدال نیز اشاره شده است. در مورد زمینه‌ها می‌توان به اختصار به سه عامل مهم اشاره نمود. عامل اول کفر است. قرآن کریم یکی از اسباب خروج از حد میانه‌روی را کفر معرفی می‌کند، و می‌فرماید: «... کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم گمراه شده است». عامل بعدی تمایلات نفسانی است: «بگو ای اهل کتاب در دین خود، غلو (زیاده‌روی) نکنید و غیر از حق نگویید و از هوس‌های جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید». و عامل سوم نیز رابطه دوستانه مومنان با دشمنان خود و خدا می‌باشد. در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید... و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است». در قرآن مجید به پیامدهای خروج از اعتدال نیز اشاره شده است. در یک نگاه کلی می‌توان این پیامدها را در سه گزینه مشاهده نمود. اولین پیامد، حسرت و پشیمانی می‌باشد. به تعبیر امیرالمؤمنین (ع): «ایاکم و التفريط فتقع الحسره حين لا تنفع الحسره؛ زنهار، از کوتاهی کردن، زیرا کوتاهی کردن، حسرت به بار می‌آورد؛ زمانی که دیگر حسرت سودی ندارد». قرآن نیز از این حسرت چنین خبر می‌دهد: «ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله؛ روز قیامت گفته می‌شود افسوس بر من از تفريط و کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم». دومین پیامد، عذاب الهی است. خداوند می‌فرماید: «ان -المسرفین هم اصحاب النار؛ عاقبت و سرانجام کسانی که از مرز اعتدال خارج شده و به دام اسراف گرفتار شده‌اند چیزی جز ورود به جهنم نخواهد بود». و سومین پیامد، هلاکت است. به تعبیر قرآن: «هر کس را که زیاده‌روی کند و به آیات خدا ایمان نیاورد، مجازات می‌کنیم و عذاب آخرت سنگین‌تر و پاینده‌تر است».

ذکر می‌فرماید که همگی بر لزوم رعایت اعتدال در مصرف تاکید دارد. اولین مورد بحث اعتدال در مخارج زندگی است. خداوند متعال استفاده از روزی و به مصرف رساندن مال پاکیزه و حلال را حق طبیعی همه افراد می‌داند ولی در عین حال برای آن حدی قائل شده و می‌فرماید: «کلوا من طیبات ما رزقناکم و لا تطغوا فیه؛ از آنچه روزی شما از پاکیزه‌ها شده، بخورید و در آن طغیان نکنید». مورد بعدی بحث اسراف است. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید». اسراف، نقطه مقابل تنگ گرفتن و سختگیری است آنجا که می‌فرماید: «و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً؛ کسانی که به هنگام انفاق، نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری و بخل می‌ورزند، بلکه در میان این دو، حد اعتدال و میانه را می‌گیرند». مورد سوم بحث لزوم پرهیز از افراط و تفریط در مصرف و هزینه است. قرآن مجید در این زمینه چنین سفارش می‌کند:

«ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتعبد ملوماً محسوراً؛ و دست خویش را بر گردن مبنده و بسیار هم آن را مگشا که هر چه داری ببخشی و در نتیجه نکوهیده و برهنه بر جای بشینی». چهارمین مورد نیز تاکید قرآن بر اعتدال در انفاق است. از آنجا که رعایت اعتدال در همه چیز حتی در انفاق و کمک به دیگران، شرط است، خداوند در قرآن بر این نکته تاکید فراوان می‌نماید. در یکی از آیات می‌فرماید: «و أتوا حقه يوم حصاده و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین». خطاب آیه به صاحبان اموال است که نباید همه اموال خود را در راه خدا انفاق کنند، علاوه بر آن آیه معنای عام هم می‌تواند داشته باشد. قرآن مجید، همچنین درباره یکی از ویژگی‌های ممتاز بندگان خالص خداوند چنین می‌فرماید: «و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً». براساس روایتی، روزی امام صادق (علیه‌السلام) برای شاگردان خود این آیه سوره فرقان را تلاوت کرد. آنگاه مشتی سنگ‌ریزه از روی زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود: این همان بخل و سخت‌گیری است (که در آیه از آن نهی شده است). سپس مشتی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن بر روی زمین ریخت. سپس فرمود: این همان اسراف است. بار سوم مشتی دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود، به گونه‌ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش باقی ماند و فرمود: این همان اعتدال میان سخت‌گیری و اسراف است.

مورد آخر نیز بحث بخل است که قرآن نیز این مسئله را موجب خروج از اعتدال می‌داند. قرآن در آیات متعدد از بخل و آز، نهی نموده و عواقب زیانبار آن را گوشزد می‌کند و در آیه ۱۸۳ سوره آل عمران می‌گوید: «انان که خداوند از فضل و کرم خویش، نعمت و ثروت فراوان به آنان داده است، از بذل و بخشش خودداری می‌کنند، خیال نکنند که این عمل به سود آنهاست بلکه به ضرر آنهاست، زیرا همان اموال را به زودی همانند طوقی بر گردنشان می‌افکنند و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، ملک خاص و ماندگار خداست و خداوند بر اعمال شما آگاه است».

محور دوم بحث معاملات و خرید و فروش است که خداوند در این مسئله نیز بر رعایت اعتدال تاکید می‌نماید. از این رو خداوند خرید و فروش و معاملات را تجویز، ربا و فزون‌طلبی را تحریم نموده، آنجا که در آیه ۷۵ سوره بقره می‌گوید: «خداوند، خرید و فروش را حلال و ربا را حرام نموده است». همچنین قرآن در آیه اول سوره مائده بر لزوم پایبندی به معاملات و عقود تاکید داشته و می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به عقود و پیمان‌های خویش وفا کنید.



شماره ۲۵  
پاییز ۹۱

۷

از منظر قرآن، اعتدال دارای

ثمرات مهم و فراوانی است.

یکی از این ثمرات دوری از

هرگونه انحراف می‌باشد. مثلاً

در آیه ۱۲۵ نساء، برترین آیین

را پیروی از دین ابراهیم (ع)

که انسانی متعادل بود، معرفی

می‌کند و نیز بهترین الگو

را حضرت ابراهیم (ع) اعلام

می‌دارد؛ چون او را برای خود

برگزیده است و چون ابراهیم

از باطل رویگردان است، به

مقام خلیل الهی می‌رسد.